روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۲۸ ■ چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۵ ■ ۶ ربیع الاول ۱۴۲۷ ■ ۵ آوریل ۲۰۰۶

آبادان	+۲۰+۲۸	بیرجند	+۱۲+۲۴	سنندج	+۶+۱۶	همدان	+۴+۱۱
اراک	+۴+۱۴	تهران	+۱۰+۱۹	شهرکرد	+۳+۱۱	یاسوج	+۹+۲۰
اردبیل	+۵+۱۴	تبریز	+۴+۱۵	شیراز	+۱۰+۲۰	یزد	+۱۳+۲۵
ارومیه	+۶+۱۴	خرم‌آباد	+۸+۱۵	قزوین	+۸+۱۲	دبی	+۲۴+۲۹
اصفهان	+۷+۱۷	رشت	+۱۴+۲۰	کرمان	+۱۰+۲۱	نجف	+۱۶+۲۷
اهواز	+۱۸+۲۹	زاهدان	+۱۵+۲۷	کرمانشاه	+۶+۱۴	مکه	+۲۱+۲۶
ایلام	+۷+۱۷	زنجان	+۵+۱۴	کاشان	+۱۱+۲۲	مدینه	+۱۱+۲۷
بجنورد	+۱۲+۲۲	زابل	+۲۰+۳۲	کیش	+۲۳+۲۹	لندن	+۳+۱۰
بندرعباس	+۲۱+۳۴	ساری	+۱۲+۱۹	گرگان	+۱۷+۳۰	پاریس	+۴+۱۱
بوشهر	+۲۲+۲۴	سمنان	+۱۲+۲۱	مشهد	+۱۸+۲۲	استانبول	+۹+۲۱

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۷ اذان مغرب ۱۸:۴۷ اذان صبح فردا ۴:۲۱

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سریال مش خیرالله	دو	۱۳
سریال دردسر بزرگ	دو	۱۶
عامل ناشناخته (تکرار)	سه	۱۳/۴۰
زندگی به شرط خنده (تکرار) پنج		۱۵
سریال پرستاران	یک	۱۵/۱۰
پای پیاده (تکرار)	پنج	۱۹
زندگی به شرط خنده	پنج	۲۱/۳۰
سریال لبه تاریکی	دو	۲۱
سریال روح مهربان	یک	۲۲
تله تئاتر	چهار	۲۲

سینمای امروز

چهارشنبه سوری (اصغر فرهادی)

آفریقا، ایران۱، صحرا، آسیا، پارس۱، عصرجدید، بهمن۲، حافظ، ناهید، کانون، جی۲، گلریز۲

برباد رفته (صدرا عبداللهی)

ایران۲، پارس۲، عصرجدید۱

چپ دست (آرش معیریان)

قدس، سروش، جمهوری، فلسطین۱، کارون، مرکزی۲، دهکده، تهران۲، شهرقشنگ، شیدا

ما همه خوبیم (بیژن میرباقری)

فرهنگ ۲، سپیده ۲، مرکزی ۲، فلسطین ۲، ایران ۳

اخبار اندیشه

از عطار تا مولانا

شرق: اولین نشست هفتگی شهر کتاب در سال جدید در روز سه شنبه ۲۲ فروردین در آستانه روز بزرگداشت عطار نیشابوری برگزار می شود. این نشست از ساعت ۱۷ با حضور غلامحسین ابراهیمی دینانی، مهدی محبتی و محمود فتوحی برگزار و درباره «اندیشه های عطار و مولانا از نگاه تطبیقی»، «نقد و مقایسه دیدگاه های ادبی عطار و مولانا» و «نماد و تمثیل در شعر عطار و مولانا» بحث و گفت وگو می شود. علاقه مندان می توانند برای شرکت در این نشست به شهر کتاب مرکزی واقع در خیابان حافظ شمالی، نبش زرتشت شرقی مراجعه کنند.

گزاره‌های تصمیم‌ناپذیر

شرق: چهارمین جلسه از سمینارهای فلسفه تحلیلی با حضور محمد اردشیر برگزار می شود. دوشنبه بیست ویکم فروردین ماه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ محمد اردشیر از دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف درباره «هیلبرت، براور و گزاره های مطلقاً تصمیم ناپذیر» صحبت می کند. این نشست در پژوهشکده فلسفه تحلیلی پژوهشگاه دانش های بنیادی واقع در میدان نیاوران برگزار می شود.

اساسنامه سازمان جهانی علمای مسلمان

شرق: اساسنامه سازمان جهانی علمای مسلمان در همایش «وحدت امت اسلامی» در مکه به تصویب رسید. به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، همایش سه روزه «وحدت امت اسلامی» از اول تا سوم آوریل (۱۲ تا ۱۴ فروردین) از سوی انجمن جهانی مسلمانان در مکه برگزار شد و حدود ۵۰۰ عالم برجسته اسلامی از سراسر دنیا درباره راه های تقویت وحدت مسلمانان، چالش های پیش روی دین، ارزش های اخلاقی و فرهنگی به بحث و گفت وگو پرداختند. اساسنامه سازمان جهانی علمای مسلمان به منظور اتخاذ تصمیم و موضع گیری واحد در خصوص مسائل و مشکلات جهان اسلام و تقابل با چالش های فراروی امت اسلامی به تصویب شرکت کنندگان در همایش رسید. دکتر محمود احمد غازی وزیر سابق امور مذهبی پاکستان و رئیس دانشگاه بین المللی اسلام آباد، شیخ محمد رشید قبانی مفتی لبنان، دکتر طنطاوی شیخ الازهر مصر، آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دکتر وهبه مصطفی الزحیلی رئیس گروه فقه اسلامی و مذاهب دانشگاه دمشق، هاشم موزادی رئیس نهضت علمای اندونزی و مصطفی سیریتش مفتی بوسنی و هرزگوین به عنوان اعضای کمیته اجرایی این سازمان انتخاب شدند. آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع در سخنرانی خود در این همایش با تاکید بر اتحاد جهان اسلامی یادآور شد: کشورهای اسلامی باید از فریب های استعمار برحذر باشند و آن را به خوبی بشناسند، زیرا آنها از وجود درگیری های قومیتی بهره برده و به ایجاد اختلاف و تفرقه در کشورهای اسلامی دامن می زنند. شرکت کنندگان در این همایش ۴ موضوع اصلی وحدت دینی و فرهنگی میان مسلمانان، وحدت اقتصادی میان مسلمانان، وحدت اجتماعی میان مسلمانان و وحدت روابط سیاسی میان کشورهای اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

فرهنگ

گلایه‌های میرکریمی از پخش خیلی دور خیلی نزدیک

سینما

فیلم خیلی دور خیلی نزدیک ساخته رضا میرکریمی که سال گذشته برگزیده جشنواره فجر جشن خانه سینما شد و حتی از سوی صفارهرندی مورد تمجید قرار گرفت، نمایش آن از تلویزیون در نوروز با جرح و تعدیل های بسیاری مواجه شد که تعجب همگان را برانگیخت. رضا میرکریمی در پاسخ به اصرار خبرنگار شرق در این باره می گوید: با اینکه فیلم را خودم ساختم و ده ها بار آن را دیدم ولی نمایش مجدد آن در تلویزیون با تدوین جدیدی که روی آن انجام شده بود و حذف و تعدیل های بسیاری که صورت گرفته بود مرا فقط شگفت زده کرد. فقط می توانم بگویم خیلی خیلی متاسفم و از این بدتر نمی شد. میرکریمی در ادامه می گوید: حق اش این بود که دوستان پخش، مرا هم در جریان می گذاشتند البته این قصه باید ریشه ای و برای همیشه حل شود و گله گذاری هیچ دردی را دوا نمی کند و متاسفانه تلویزیون در اعمال محدودیت نسبت به فیلم های ایرانی و خارجی دچار تناقض های آشکاری است که تاثیر معکوس و حتی مخربی روی بیننده دارد. به گزارش خبرنگار شرق، فیلم خیلی دور خیلی نزدیک در روز اول فروردین و در ساعت ۱۱ شب پخش و حدود ده دقیقه از این فیلم سانسور شد. صحنه های مربوط به منشی، پلان حاجی فیروز، پلان صحبت دکتر در پارکینگ، صحنه صحبت دکتر با همسرش در آشپزخانه، صحنه صحبت دکتر با نگین در جاده کویری، صحنه عروسی و پلان هایی از کاروانسرا و خانم دکتر حذف شده است. همچنین بسیاری از پلان هایی که خانم ها در آن حضور داشتند تصاویر کادربندی جدیدی پیدا کرد و از کیفیت آن کاسته شده بود.

سالمرگ پروین اعتصامی

شاعره کم اقبال

یاد

امیر رازی: روشنفکرها با پروین اعتصامی میانه خوبی ندارند. هر چقدر که آدم های اخلاقی، اشعار پروین را حفظ می کنند و در میان موعظه های اخلاقی به عنوان شاهد مثال می آورند، روشنفکرها و اهل ادبیات جدید- و حتی اهل عرفان- هیچ رغبتی به خواندن و حفظ کردن اشعار این شاعر به انزوا کشیده شده از خود نشان نمی دهند. هر چقدر که فروغ فرخزاد خوش اقبال است و اشعار قوی و ضعیفش- درهم- از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، اشعار پروین اعتصامی مورد بی مهری مفرط قرار گرفته و می گیرد. امروز اگر اسمی از پروین مانده یکی به دلیل عنایتی بوده است که مولفین کتاب های درسی به او داشته اند و یکی هم به جهت حافظه مثال زدنی وعاظ آشنا به ادبیات. پروین عمر درازی نکرد و از اخبار و نقل قول ها چنین برمی آید که در این عمر کوتاه هم به او خوش نگذشت و چیزی جز شعر او را سرپا نگه نداشت. اما آیا این اشعار اخلاقی برای سر پا نگه داشتن زنی تنها و بی عشق کفایت می کند؟ قریحه پروین مثال زدنی است خاصه اشعاری که در کودکی سروده نشان از آن دارد که او ذاتاً شاعر به دنیا آمده بوده اما اهل ادبیات نیز غالباً به قریحه شاعری او اعتنایی نمی کنند و حتی گاهی تا آنجا پیش می روند که اشعار به جا مانده را به کسی نسبت می دهند که سمت استادی پروین را به عهده داشته است. اما هر چه هست به دور از این شایعات و به دور از این سلیقه جمعی و به دور از این میل به گریز از نصایح اخلاقی، پروین شاعری بلندمرتبه است و اشعارش آدم را به روزگار شعرای کلاسیک می برد. شاید پروین از این جهت منزوی است که هرگز فرزند زمان خویشتن نبوده است. اما حقیقتاً این طور نیست و اگر کسی خوب دقت کند در خواهد یافت که مواعظ اخلاقی او اگر ظاهری کهنه و قدیمی دارند، اما محصول همین دوران ملال آور معاصر ما هستند. معروف ترین شعر پروین ماجرای مناظره محتسب و مست است: «محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت/ مست گفت ای دوست این پیراهن است افسار نیست...» قریب به این مضمون و این مناظره نیز در سعدی است و یحتمل پروین متاثر از سعدی این قطعه را سروده است. اما وقتی چند بار این قطعه را می خوانیم می بینیم یک جای کار اشکال دارد. همان اشکالی که در واقع دوره و زمانه ما دارد و آن ستایش از عقل از سرمستی و بی عقلی است. در سروده سعدی چنان که رسم آن زمانه بوده است مست از عقل دفاع نمی کند و محتسب را به عقلانیت متظاهرانه دعوت نمی کند. اما مست پروین در جواب بی کلاهی می گوید که «در سر عقل می باید» و بی کلاهی عار نیست. فرصت نقد پروین نیست و این مهم از عهده نگارنده نیز ساخته نیست، اما عرضم این است که بگویم اگر مشکلی در اشعار پروین هست همین متظاهرانه بودن پندها است. با این همه اشعار پروین زیبایی های خاص خود را هم دارا است و خاصه در امور اجتماعی و تقریباً سیاسی، اشعاری دلنشین هم به چشم می خورد. از آن جمله آن قطعه معروف که: «روزی گذشت پادشهی از گذرگهی» هیچ وقت یادم نمی رود که وقتی معلم ادبیات ما این شعر را می خواند همه این پادشاه را محمدرضا پهلوی می دیدیم و خودمان را هم جای آن کودک یتیم می گذاشتیم که می پرسید: «این تابناک چیست که بر تاج پادشاست» و آوای آن پیرزن را نیز ندای حق طلبانه انقلابیون قلمداد می کردیم که می گفت: این گرگ سال هاست که با گله آشناست. یاد پروین اعتصامی بخیر.

رضا کیانیان و یک نمایش سه‌زبانه

خبرساز

رضا کیانیان بازیگر پرکار سال گذشته قرار است با یک نمایش سه زبانه روی صحنه برود. کیانیان در این باره می گوید: «حدود دو سال پیش برای برگزاری یک کارگاه آموزشی بازیگری از سوی دانشکده هنرهای دراماتیک این کشور دعوت به سوئد شدم و بعد از گفت وگو با هنرمندان این کشور و با توجه به استقبال آنان از اجرای این نمایش، قرار شد این نمایش به دو زبان فارسی و ژاپنی اجرا شود و هر یک از بازیگران به زبان خود سخن بگویند اما در عین حال تماشاگران هر دو کشور متوجه اتفاقات این نمایش شوند.» به گزارش ایسنا، بحث اجرای این نمایش از چندین سال پیش، به دنبال همکاری کیانیان با انیوکی بازیگر ژاپنی فیلم «فرش باد» مطرح شد اما این نمایش به دلایل گوناگونی از جمله نیافتن یک متن خوب تاکنون امکان اجرا نداشته است. کیانیان می گوید که دو تن از بازیگران سوئدی نیز قرار است با ما همکاری کنند تا نمایش به سه زبان فارسی، ژاپنی و سوئدی اجرا شود. کیانیان می گوید: «خوشبختانه توانسته ایم طرح های خوبی را برای اجرای این نمایش پیدا کنیم و مشکل نبود متن مناسب تا حدودی برطرف شده است. اما بزرگترین مشکل اجرای این نمایش نداشتن تهیه کننده است و در مرحله اول باید بتوانیم یک تهیه کننده مناسب پیدا کنیم تا بعد از آن بتوانیم مراحل دیگر را طی کنیم.» کیانیان سال ۸۳ با بازی در نمایش «حرفه ای ها، یک کمدی غمگین» بعد از ۵ سال بر صحنه تئاتر حضور یافت. او قرار بود سال گذشته نیز در نمایش «مردی برای تمام فصول» به کارگردانی بهمن فرمان آرا بازی کند اما به دلیل عدم توافق فرمان آرا با مسئولان اداره کل هنرهای نمایشی، این پروژه متوقف شد.

محمد رحمانیان و نمایش جهانی فنز

تئاتر

محمد رحمانیان کارگردانی که نمایش «فنز» او سال گذشته به عنوان پدیده تئاتر و نمایشی پرمخاطب مطرح شد، امسال علاوه بر سفرهای بین المللی «فنز» قصد دارد نمایش «روزهای رادیو» را که متن آن توسط خودش نوشته شده، اواخر تابستان یا اوایل پاییز امسال در تالار وحدت اجرا کند. نمایش «فنز» سفرهایش را در سال ۸۵ از کانادا آغاز می کند. محمد رحمانیان نویسنده و کارگردان این نمایش می گوید: «نخستین اجرای این نمایش ۸ اردیبهشت ماه در ونکوور کانادا خواهد بود.» به گفته رحمانیان گروه اجرایی «فنز» پس از آن راهی تورنتو می شوند و از ۱۱ تا ۱۴ اردیبهشت ماه این نمایش را در دانشگاه یورک اجرا خواهند کرد.» رحمانیان می گوید: «فنز» به دعوت گروه ایرانیان مقیم کانادا اجرا می شود و دعوت از ما مربوط به فستیوال های تئاتری نیست. رحمانیان از اجرای نمایش «تارتوف» در کشور فیلیپین خبر داد. او که سال گذشته دو نمایش «درس» و «تارتوف» را در فستیوال سینایا رومانی اجرا کرده بود، می گوید: «نمایش «تارتوف» به دعوت III جهانی در کشور فیلیپین نیز اجرا خواهد شد که زمان اجرای این نمایش به اواخر ماه مه (اوایل خردادماه) برمی گردد.» رحمانیان این روزها سرگرم نگارش فیلمنامه «استخوان خوک و دست های جذامی» است که فیلمبرداری آن از اوایل خردادماه آغاز خواهد شد. او درباره گروه بازیگران این فیلم گفت: از آنجا که هنوز نگارش فیلمنامه به پایان نرسیده، درباره گروه بازیگران تصمیم قطعی نگرفته ام. «استخوان خوک و دست های جذامی» که بر اساس کتابی از مصطفی مستور نوشته شده، نخستین فیلم بلند محمد رحمانیان است.

فکر کنم...

نگاه طراح

جمال رحمتی

چه کسی راست‌تر می‌گوید؟

تا نمایشگاه

حمیدرضا ابک: سیداحمد لولاآور مدیر انتشارات سل یوکی و نماینده انتشارات آکسفورد و بریل در ایران نامه ای به دفتر روزنامه ارسال کرده است: «احتراماً به اطلاع می رساند این دفتر طبق روال سال های گذشته و مقررات درج شده نمایشگاه کتاب تاکنون ۳۷ پالت کتاب از بیش از ۲۵ ناشر معتبر ارسال نموده که ۱۸ پالت هم اکنون در گمرک می باشد. تغییر مقررات در لحظه آخر و لزوم برگ نمایندگی برای سالن فروش آزاد امکان ارائه این کتب را در نمایشگاه فوق نمی دهد. نظر به اینکه محدودیت فوق تعداد عناوین ارائه شده را کم خواهد نمود و امکان رقابت در قیمت را از میان برمی دارد در نهایت به ضرر مصرف کننده تمام می شود. تجدیدنظر در این امر الزامی است.» داستان از این قرار است که بخش بین الملل نمایشگاه کتاب هر سال کتاب های خارجی را در دو سالن فروش ارزی و فروش ریالی عرضه می کند. براساس قوانین، ناشران حاضر در بخش ارزی همواره موظف به اخذ نمایندگی از ناشر خارجی بوده اند. اما حضور در بخش ریالی نیاز به اخذ نمایندگی ندارد و هر موزعی می تواند هر کتابی از هر ناشری را در آن سالن بفروشد. نتیجه هم این بوده که مخاطبان در بخش ریالی مثلاً می توانستند کتاب های انتشارات کمبریج را از یک غرفه دیگر، غیر از غرفه کمبریج بخرند. امسال بخش بین الملل، ناشران و موزعان حاضر در بخش ریالی را هم موظف به اخذ نمایندگی کرده است. به همین خاطر بود که نظر مدیران بخش بین الملل نمایشگاه را در این رابطه جویا شدیم. مسئولان اعلام کردند که قوانین مربوط به حضور در بخش بین الملل با حضور نمایندگان انجمن فرهنگی ناشران کتاب های خارجی در آذرماه بررسی و بازنگری شده است. نتیجه این بازنگری هم در دهه اول بهمن ماه کتباً به تمام ناشران و موزعان اعلام شده است و به همین دلیل اظهارنظر ناشرانی همچون سل یوکی در مورد اینکه قوانین دیر ابلاغ شده و ایجاد ضرر و زیان کرده موجه نیست. دعوای ناشر و نمایشگاه را رها کنیم. مسئله جای دیگری است. ناشر می گوید این کار مانع از رقابتی شدن فروش می شود و ضرر مخاطب را در پی دارد. راست هم می گوید. شما در بسیاری از موارد می توانید کتاب های یک ناشر را از ناشری دیگر با قیمتی ارزان تر بخرید. (دلیل این اتفاق را البته باید در جایی دیگر بررسی کرد.) اما این مسئله ابعاد دیگری هم دارد. دولت می گوید اجرایی نشدن قوانین و مقید نبودن ناشران بخش ریالی به اخذ مجوز، این بخش از نمایشگاه را تبدیل به بازار مکاره می کند؛ اتفاقی که در هیچ نمایشگاه معتبری رخ نمی دهد. از بین رفتن حیثیت نمایشگاه هم در افقی بالاتر مستقیماً موفقیت آن در کسب بازارهای جهانی را خدشه دار می کند. شاید به دلایلی از این دست بوده که کشورهای همسایه ما همیشه ترجیح داده اند کتاب هایشان را از نمایشگاه های دیگر تهیه کنند و ما بازاری به این عظمت را از دست داده ایم. سود کوتاه مدتی که ممکن است از این طریق عاید مصرف کننده شود به هیچ وجه با ضرر ناشی از ناراضی بودن ناشران معتبر از حیثیت نمایشگاه و انصرافشان از حضور جدی در آن و از دست رفتن بازار تبادل کالاهای فرهنگی میان کشورها و بازار منطقه قابل مقایسه نیست. دولت هم راست می گوید. اما به راستی چه کسی «راست تر» می گوید؟

Hamidreza_abak@yahoo.com

شروع انقلاب دیجیتال در هالیوود

سینما

وصال روحانی: دیروز برای اولین بار در تاریخ سینما یک فیلم همزمان با عرضه اش روی نوارهای DVD، روی خطوط اینترنت هم دانلود شد و بهتر بگوییم به طور همزمان روی این دو محصول و فرآیند متفاوت عرضه گشت. پیش از این، عرضه نسخه کامل فیلم های سینمایی روی خطوط اینترنت فقط در مواردی معدود و محدود و مدت ها پس از عرضه نوارهای ویدئویی آنها صورت می گرفت، اما دیروز همسو با شروع انقلاب دیجیتال در هالیوود و دانلود شدن «کوهستان بروک بک» فیلم چنداسکاره امسال سینمای جهان «دو شبکه بزرگ رقیب» زمینه عرضه آثار سینمایی روی خطوط اینترنت نیز اعلام کردند که به زودی زود و همزمان با عرضه نوارهای DVD فیلم های «کینگ کنگ» و «خاطرات یک گیشا»، این فیلم ها را بر روی خطوط خود (و البته در قبال دریافت وجه مورد نظر) قابل دانلود خواهند کرد. در همین حال استودیوهای معروف و شاخص پارامونت، یونیورسال، سونی، مترو گلدوین مه یر، برادران وارنر و فاکس قرن بیستم اعلام کردند که از طریق خط اینترنتی Movie Link حدود ۲۰۰ فیلم خود را در معرض درخواست و دریافت و خریداری علاقه مندان این آثار قرار خواهند داد. از این طریق کار سیاسی و تحسین شده اخیر جورج کلونی یعنی «شب بخیر و موفق باشی» نیز به زودی بر روی اینترنت قابل عرضه و فروش خواهد بود. در همین ارتباط قرار است ۸۵ فیلم متعلق به شرکت لایونزگیت (استودیوی سازنده «برفورد»، برنده جایزه اسکار برترین فیلم امسال) نیز به زودی روی یک خط اینترنت در ازای دریافت وجوه اعلام شده و یا بهره گیری از کارت های اعتباری قابل دانلود کردن شوند. شاید معدن این آثار در همان سایت Movie Link باشد. روی این خط مصرف کنندگان هم می توانند فیلم های دلخواهشان را بخرند و هم آنها را برای مدت ۲۴ ساعت کرایه بکنند و البته اگر اقدام به خریدن کنند، صاحب یک مجموعه دیجیتالی عالی خواهند شد. حرف آخر را جیم رامو مدیر اجرایی این سایت می گوید: «سران استودیوهای سینمایی به این نتیجه رسیده اند که از اینترنت به عنوان یکی از وسایل توزیع کننده آثار خود سود جویند. در این صورت حتی توزیع و تکثیرکنندگان غیرقانونی این آثار نیز مجبورند به همین خطوط و سایت ها رجوع کنند و ناچاراً به کارهای قانونی بپردازند.»

علی نصیریان با «افعی طلایی» در تئاتر پارس

تئاتر

تئاتر پارس این روزها با نمایش «افعی طلایی» نوشته علی نصیریان در کنار دو نمایش «رستم و داش ابرام» و «مردی در تاریکی» دوباره فعال شده است. نمایش «افعی طلایی» نوشته علی نصیریان و با کارگردانی منصور نوبخت به زندگی مردی در جنوب شهر تهران می پردازد که بزرگ محله است. این نمایش تا پایان فروردین ماه هر روز در دو سانس طی ساعات ۱۲/۴۵ و ۱۶ اجرا می شود و بازیگرانی چون منصور نوبخت، عباس پیرزاده، مصطفی سرابی، شهرزاد نوروزخواه و حبیب الله بدیری در آن ایفای نقش دارند. به گزارش سایت ایران تئاتر، نمایش «رستم و داش ابرام» نیز نوشته و کار صبا ملکی است که تا پایان فروردین ماه هر روز ساعت ۱۷/۳۰ در تئاتر پارس اجرا می شود و بازیگرانی چون مصطفی میرقاسمی، رضا دلارام، سهیلا جدیری، حامد مصباحی، جواد گلریز، محمد حسینی و پریسا سنجری در آن بازی می کنند. این نمایش در مورد پشت صحنه نمایش «رستم و سهراب» است که در اولین روز اجرایش بازیگر نقش اول نمایش پیشنهاد مناسب تری برای بازیگری دریافت می کند و گروه را تنها می گذارد. نمایش «مردی در تاریکی» نیز نوشته حسن غمخوار و با کارگردانی مصطفی میرقاسمی است و بازیگرانی چون مصطفی میرقاسمی، رضا دلارام، جواد گلریز، نسیم تاجی، مهسا معروفی و محمد حسینی در آن ایفای نقش دارند. این نمایش که تا پایان فروردین ماه هر روز ساعت ۱۳/۴۵ اجرا می شود درباره مردی ثروتمند و نابیناست که همسر و برادر همسرش از ضعف او سوءاستفاده کرده و از وی اخاذی می کنند.

سید درخت‌نشین

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

این روزها نزدیک است به سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی که مردی به غایت دوست داشتنی بود و هست و خواهد بود. نوشتن درباره او ساده نیست و اصولاً نمی شود درباره مردی که حقیقتش با چهره ای که از او ساخته اند کیلومترها فاصله دارد، به سادگی نوشت. اما سعی می کنم در این چند سطری که می نویسم از تصاویر مرسوم و متداول و کلیشه ای فاصله بگیرم. کتاب «بارون درخت نشین» کالوینو را فرصتی پیش نیامده بود بخوانم و در این تعطیلات کش دار یکی از اتفاقات خوبی که افتاد، همین بود که کتاب را از رفیقی عیدی بگیرم و بخوانم و لذت ببرم. نمی دانم به حال و هوای من مربوط می شد یا قصه چنین اقتضایی داشت که «جوان درخت نشین» قصه مرا سخت به یاد سیدمرتضی آوینی می انداخت و چهره زیبای دوران کودکی و جوانی او را موقع خواندن کتاب برایم تداعی می کرد. البته نسبتی هست میان همه آنها که عادات متداول زمانه خود را خرق می کنند و راهی خلاف دیگران می پویند. سیدمرتضی آوینی - این طور که من می شناسمش و این طور که ماجراهای کودکی و جوانی اش را از برادرش ـ سید محمد ـ و خانواده اش شنیده ام ـ از وقتی که خود را شناخته، مثل قهرمان قصه کالوینو پا از زمین بلند کرده و راه هایی بین شاخه های درختان پیدا کرده که هزاران بار به راه های زمینی می ارزد. سیدمرتضی آوینی همواره از ارتفاعی دیگر با دیگران سخن گفته و از ارتفاعی دیگر به جهان نگاه کرده است. قبل از انقلاب و بعد از انقلاب تقسیم بندی خوبی برای دوره های زندگی سیدمرتضی نیست. برای اینکه او همیشه ارتفاعش را از سطح عادات روزمره نگه داشته و هیچ وقت خود را تا حد «دیگران» تنزل نداده است. خلاف آمد عادت بودن تا آنجا با جان او آمیخته شده بود که تعبیر سید درخت نشین برای او تعبیری غیرواقعی یا از روی احساسات و تعابیر شاعرانه متداول نیست. سید جهان را از ارتفاعی دیگر می نگریست. علاقه او به انقلاب، ارادت او به امام خمینی(ره)، تعهدات مذهبی او، گرایش های هنرمندانه او و... با هر علاقه و ارادت و تعهد و گرایشی که سراغ دارید متفاوت است و این تفاوت چنان است که گویی در زندگی او مناسبات دیگری بر جهان حکم می راند و چنین هم بود. یک بار چیزی به من گفت که من دریافتم او جهان را در نسبت هایی دیگر می بیند. مضمون آنچه را که او گفت برایتان نقل می کنم. می گفت: «بین اجرام، نیرویی وجود دارد که آنها را مردم جاذبه و دافعه می نامند. دانشمندان این جاذبه را اندازه گیری می کنند و معادلات ریاضی را بر آن دخیل می بینند. این معادلات درست است و جهان را به شکل ریاضی و با تناسبات ریاضی هم می شود دید. اما گروهی دیگر ماجرا را به عشق و کشش و جذبه هایی می کشانند که نسبت هایی غیر از ریاضی بر آنها حکم می راند. جهان را هر طور ببینی همان طور است، اما من ترجیح می دهم جهان را بر مدار عشق ببینم تا مناسبات متداول. اگر پای ما به زمین بند است به جهت عشقی است که ما را به خود می کشاند. اگر به آسمان عاشق می شدیم، نیرویی دیگر از آسمان ما را به خود می کشید...»

فکر می کنم چنان مضمون حرف سید را بد و سطحی نوشتم که از او تصویری مثل آدم های گیس بلندی که حرف های عارفانه بی سر و ته می زنند ساختم. اما چنین نیست. او دنیا را از ارتفاعی دیگر می دید و مناسبات دیگری را درمی یافت. او از شریعت علمی گریزان بود و از حرف هایی که می زد می شد فهمید که دنیا را چیزی غیر از آنچه دانشمندان نشان داده اند می بینند. نمی خواهم بگویم اسطوره ای. او دنیا را دیندارانه می دید، اما نه دیندارانه ای که گرفتار مناسبات سانتیستی است. گاهی ساعت های متمادی در دفتر سوره درباره جهانی صحبت می کرد که در این جهان نسبت های علمی حکم نمی راند. رضا عابدینی و حسین معززی نیا باید به خاطر داشته باشند که او که به خلاف آمد عادت کامیاب شده بود، این عالم را به دیوانگی نسبت می داد و وقتی کسی هم رای خود می یافت، به ذوق می آمد که «دیوانگان همدیگر را پیدا می کنند.» گاهی نگاه او به عالم موجب می شد که آنها به عادات گرفتارند. به ظاهر حرف او بخندند و حرف های او را حمل بر جنون کنند. حال آنکه جهانی که او تصور می کرد جهانی به غایت دلنشین تر، فراخ تر، آزادتر و عاشقانه تر است. اگر بخواهم منظورم را درست بیان کنم باید بگویم که او دنیا و مافیها را چنان می دید که قدما می دیدند. او همان مناسباتی را بر کائنات درمی یافت که مردم آن روزگار. اما زیبایی ماجرا آنجا بود که او با این مناسبات فیلم می ساخت، مجله درمی آورد، کتاب می نوشت و به سیاست فکر می کرد. اگر بخواهم مرام و منش سیدمرتضی را در یک جمله خلاصه کنم بیتی از خواجه شیراز نقل می کنم که فرمود: «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من/ کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم.»